

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳

سمانه جعفری*

خانواده متعالی درسایه حیا و عفاف

چکیده:

حیا و عفاف از ویژگی‌هایی است که باید هر زن و مردی آن را رعایت و تبلیغ کند و آن را به نسل‌های بعد نیز انتقال دهد. در این راستا بایستی به تذکراتی که قرآن در این باره داده و از هر مسلمانی انتظار عمل به آن را دارد توجه کرد. از آنجاکه تحقق خانواده متعالی بدون بهره گرفتن از آموزه‌های اسلامی پیرامون ضرورت رعایت حیا و عفاف در خانواده و جامعه امکان‌پذیر نیست، لذا این مقاله باهدف شناساندن ضرورت حیا و نقش آن در تعالی خانواده از دیدگاه اسلامی تدوین شده است. چراکه خانواده به‌عنوان اولین جایگاه و الگوی اصلی تربیت می‌تواند بیشترین تأثیر را در رفتار فرزندان داشته باشد و اساساً خانواده متعالی درسایه حیا و عفاف است که محقق می‌شود.

واژگان کلیدی: خانواده، حیا، عفاف، خانواده متعالی.

طرح بحث

حرف زدن از یک بحث اعتقادی، خصوصاً برای جوانان، کار مشکلی است. آن هم موضوعی که بارها، نه درست و نه از راه صحیح، که با روش‌های غلط و نامطلوب درباره‌اش صحبت شده، دستمالی شده و شاید توی سر خورده است. بیرون کشاندن یک مفهوم صحیح از یک موضوع کتک‌خورده، به‌راستی کار دشواری است.

یک اعتقاد باید توأم با شناخت باشد؛ بعد به درجه ایمان و باور قبلی برسد و بعد مرتبه بالاترش را ببیند که آن‌هم ایمان عملی است.

کم‌وبیش برخی به بحث کم شدن حیا و اهمیت این مفهوم در جامعه و خانواده پرداخته‌اند و تحقیقات خوبی را در این خصوص رقم‌زده‌اند. اما در شرایط کنونی در زمینه‌های گوناگون مانند رواج بی‌بندوباری و کم شدن حجاب و عفاف موجب شده است مفهوم حیا بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد و درباره آن هشدار داده شود.

معمولاً فرض می‌شود همگان مفهوم مشابه و دقیقی از حیا و عفاف در ذهن دارند و همه می‌دانند چگونه بایستی حیا و عفاف را در جامعه رواج داد و یا فرزندان را باحیاط‌تر تربیت کرد. درحالی‌که چنین نیست برخی افراد خجالت از سر ضعف را باحیا یکی می‌دانند و به همین دلیل از رنگ باختن حیا ابراز خشنودی می‌کنند. نوشتار حاضر پس از توصیف نشانه‌های بی‌حیایی در فهم عامه، مفهوم حیا را مورد مذاقه قرار می‌دهد. و عوامل ایجاد بی‌حیایی و راه‌های تربیت انسان باحیا را به‌اختصار برمی‌شمارد.

لذا هدف از این نوشتار تبیین و شناساندن نقش حیا و بررسی و جایگاه آن در خانواده متعالی، شناساندن فواید حیا در خانواده و ارائه آثار رعایت حیا با نگاه به آیات، روایات و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌باشد.

الف. مفهوم شناسی

حیا و شرم به اشکال مختلف وجود خارجی می‌یابد به این معنا که انسان این صفت نفسانی را در زندگی خویش به اشکال مختلف بروز می‌دهد و رفتارهای خویش را بر پایه‌ی آن



سامان می‌بخشد.

«انسان باحیا کسی است که در رفتار و گام برداشتن نیز رعایت حیا و آزر می‌کند» (نور/ ۳۱، قصص/ ۲۵) در پوشش و یا در کارهای دیگر آن را نشان می‌دهد و رفتاری بر پایه آداب اجتماعی و سنت‌های پسندیده دارد.

در زندگی خانوادگی نیز رفتار انسان باحیا رفتاری بر خواسته از این صفت است به گونه‌ای که در خانه به نوعی عمل می‌کند که حوزه حیا و عفت شکسته نشود و خانواده از این جهت آسیب نبیند. بر همگان آشکار است که در خانه رفتارهایی انجام می‌شود که امکان آن در بیرون خانه نیست. شخص روابط جنسی خویش را در خانه سامان می‌دهد این گونه روابط برای دیگر اعضا می‌تواند خطرناک باشد. از این رو قرآن به زنان و مردان حکم می‌کند که در زمانی خاص خلوت کنند و از جهتی برای حفظ اصول اخلاقی و محافظت بر حیا و عفت به فرزندان دستور می‌دهد که در زمان‌های معینی به خلوتگاه پدر و مادر وارد نشوند. «به سخن دیگر وجود زمان و جایگاهی برای خلوت زن و شوهر و نیز لزوم اذن و اجازه گرفتن فرزندان برای ورود به خوابگاه والدین، تنها به منظور حفظ حیا و عفت خانواده و فرزندان است.» (نور/ ۵۸)

آداب ورود به استراحتگاه خصوصی پدر و مادر مهم‌ترین مسئله‌ای که تعقیب شده مسئله عفت عمومی و مبارزه با هرگونه آلودگی جنسی است که در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از مسائلی که قرآن به آن پرداخته، اذن گرفتن کودکان بالغ و نابالغ به هنگام ورود به اتاق‌هایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند. نخست می‌فرماید که کودکان باید در سه وقت از والدین اجازه بگیرند قبل از نماز فجر، درنیم روز که لباس‌های معمولی خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشا؛ منظور از نیم روز حدود ظهر است که مردم در این موقع معمولاً لباس‌های رویی خود را درمی‌آورند و گاه، مرد و همسرش باهم خلوت می‌کند. (پسندیده، ۱۳۸۳، ص ۲۵)



بدیهی است این دستور متوجه اولیای اطفال است که آن‌ها را وادار به انجام این برنامه کنند چراکه آن‌ها هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند تا مشمول تکالیف الهی باشند و به همین دلیل مخاطب آن اولیاء می‌باشند. و اطلاق این سخن هم شامل کودکان پسر و هم شامل کودکان دختر می‌شود و بر مجموع افراد اطلاق می‌گردد.

البته در غیر این سه وقت می‌توانند کودکان وارد شده و گرد هم آیند و این در صورتی است که رفت و آمد کم باشد بنابراین اگر بخواهند در هر مرتبه اجازه بگیرند و رفت و آمدشان زیاد باشد کار سخت و مشکل است. ولی وقتی به سن بلوغ رسیدند باید در همه حال اجازه ورود بگیرند.

حکم افراد بالغ و نابالغ متفاوت است زیرا کودکان بالغ در سه وقت موظف به اجازه گرفتن هستند چون زندگی آنان بازندگی پدران و مادران آن قدر آمیخته است که اگر بخواهند در همه حال اجازه بگیرند، مشکل خواهد بود و از این گذشته احساسات جنسی آنان به طور کامل بیدار نشده، ولی نوجوانان بالغ که اذن گرفتن به طور مطلق برای آن‌ها واجب است در همه حال به هنگام ورود بر پدر و مادر اذن بگیرند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱۴، ص ۵۴۷)

ب. ارزش حیا و عفاف در قرآن

از جمله آموزه‌هایی که در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته و از نشانه‌های امنیت و بقای خانواده و استحکام جامعه و بنیان ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی به حساب آمده، مسئله حیا و پوشش هست.

مسأله حیا و پوشش تنها اختصاص به زنان ندارد، بلکه از آنجایی که ساختار وجودی و خلقت زن توأم با ظرافت‌های ویژه‌ای است، رعایت آن در مورد بانوان از حساسیت و منزلت و جایگاه رفیعی برخوردار است. درعین حال مردان نیز موظف به رعایت حیا و پوشش صحیح اسلامی هستند و این نشانگر حیا و شرم در آن‌ها از خدا و بندگان خداست.

داشتن حیا و شرم یک حالت روان‌شناختی است که در فطرت انسان‌ها به ودیعه نهاده شده و



رعایت آن برای همه انسان‌ها زیباست، اما برای زنان فوق‌العاده زیباتر هست به خصوص رعایت حیای آن‌ها در حریم خانه و خانواده بسیار نیکو و برتر است.

از مصادیق بسیار مهمی که نقش ارزنده‌ای در سلامت فرد و اجتماع دارد و به فزونی حیا کمک زیادی می‌نماید، مسئله ازدواج است که در فرمایشات الهی و سنت نبوی به آن تأکید زیادی شده است، بدیهی است که، اگر در امر ازدواج مطابق دستور خدا و حضرات معصومین (علیهم‌السلام) عمل نمائیم، از یک سو روابط جنسی، مشروع و ارضاء آن به نحوی خدا پسندانه صورت می‌گیرد، از سویی دیگر از اختلاط زنان و مردان و روابط ناسالم جنسی جلوگیری می‌شود، و نیز بر استحکام کانون خانواده همراه با نسلی سالم و پویا افزوده خواهد شد و از طرفی به گسترش فرهنگ حیا عمق بخشیده‌ایم.

پس اگر شرایط دختران و پسران را مهیا نماییم و از مهریه‌های سنگین و تجملات بی‌مورد و اسراف‌های رایج در این زمینه، خودداری نموده و امر مقدس ازدواج را به صورتی آسان درآوریم، کمک بزرگ و خدمت خداپسندانه‌ای انجام داده‌ایم. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱۴، ص ۵۴۹)

در این راستا در کلام گوهر بار الهی چنین آمده است:

«مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، هم‌چنین خادمان صالح، صالحه و درست‌کارتان را، اگر فقیر و تنگدست باشند همسر دهید، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد خداوند گشایش دهنده و آگاه است.» (نور/۳۲)

ج. ضرورت رعایت حیا در خانواده اسلامی

خانواده اولین و اصلی‌ترین نهاد مؤثر در تربیت انسان‌ها به شمار می‌آید. درونی شدن صفت حیا نیز بخشی از سیر تربیت است که به‌طور طبیعی باید در خانواده اتفاق بیفتد.

لازم است مبانی، اصول و روش‌های متعدد برای تربیت صفت حیا در انسان مورد توجه قرار گیرد و چنان‌که ذکر خواهد شد خانواده بهترین مکان برای اجرای این روش‌هاست.



یکی از مبانی تربیتی، تأثیر شرایط گوناگون بر انسان در تربیت ایمانی و به تبع آن تربیت انسان برای تربیت نسل آینده است. روش‌هایی که می‌توان برای اصلاح شرایط انسان به کار گرفت، روش زمینه‌سازی، روش تغییر موقعیت و روش اسوه‌سازی است.

روش زمینه‌سازی:

ائمه (علیهم‌السلام) در روش زمینه‌سازی توصیه‌های خود را از مراحل مقدماتی تشکیل خانواده یعنی انتخاب همسر با ایمان، آغاز می‌کنند و شرایط انعقاد نطفه از حیث زمان و حالت معنوی والدین، دوران بارداری و رعایت تغذیه و دوری از گناه، انتخاب نام نیکو برای فرزند و تغذیه نوزاد در حالی که مادر با وضو در حال ذکر است، رعایت نکات اخلاقی لازم در تربیت جنسی کودکان، آموزش به آن‌ها برای وارد نشدن به اطاق والدین بدون اجازه، نمونه‌هایی از این زمینه‌سازی برای تربیت انسان باحیا و با ایمان به شمار می‌آید. (رک: باقری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹۸)

روشن است که محیط خانواده و عملکرد پدر و مادر، در زمینه‌سازی تأثیر دارد.

روش تغییر موقعیت

در روش تغییر موقعیت، شخص با موقعیتی بالفعل روبه‌رو است که اگر برای تربیت مفید باشد، باید خودش یا مربی را در آن موقعیت قرار دهد و اگر برای تربیت مضر باشد یا باید آن را تغییر دهد و یا باید از آن هجرت کند و دوری‌گزیند، (رک: باقری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹۹)

یکی از مصادیق این روش به‌ویژه برای تربیت فرزندان باحیا، تصمیم‌های پدر و مادر برای انتخاب محل زندگی و همسایگان و همچنین امکاناتی است از جمله امکانات رسانه‌ای که در اختیار کودک خود قرار می‌دهند. انتخاب افراد و اقوامی که با آن‌ها رفت‌وآمد خواهد شد، نیز یکی از موارد تغییر موقعیت به شمار می‌آید، روش اسوه‌سازی شاید بیش از هر روش دیگری نقش برجسته والدین در خانواده را نشان می‌دهد.



روش اسوه سازی

اولین الگوی فرزندان، پدر و مادر هستند. اگرچه تعالیم اسلامی از انسان می‌خواهد الگوهای خود را با چشم‌باز انتخاب کند و از پیروی کورکورانه بپرهیزد، اما برای کودک که به آن مرحله از تشخیص نرسیده است، خواه ناخواه برترین الگو، والدین او هستند. تجلی حیا در رفتار والدین، آرام‌آرام رفتار و سپس نقش کودک را شکل می‌دهد. انسانی که کرامت نفس داشته باشد از خود حیا می‌کند و از رفتار زشت اجتناب می‌ورزد.

گمنامی و زندگی در کلان شهرهای امروزی که افراد به ندرت یکدیگر را می‌شناسند یکی دیگر از عواملی است که کاهش مدت و عمق ارتباط افراد، تاثیر نظارت مردم را به حداقل می‌رساند. (ر.ک: تافر، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۳)

یک فرد شهرنشین ممکن است با گروه معینی از مردم روابط متقابل داشته باشد که مدت‌های مدید به طول انجامد، اما درعین حال با صدها و بلکه هزاران نفر دیگر نیز برخورد دارد که ممکن است فقط یکی دو بار آن‌ها را ببیند و سپس برای همیشه در بوته‌ی فراموشی و بی‌نامی گم شوند. همین نوع رابطه است که به نظر می‌رسد آزادی انسان را به همراه دارد. اما در نگاه دینی حیای مردم را کاهش می‌دهد.

مهاجرت به محلی دیگر نیز گم نامی می‌آورد. بسیاری از افراد، پس از مهاجرت از شهر کوچک یا روستای محل زندگی به یکی از کلان‌شهرها، حیای خود را در انجام دادن بسیاری از کارهای قبیح از دست می‌دهند. گسیختن مکرر روابط انسان‌ها که نتیجه مهاجرت است میتواند علت از میان رفتن تعهد در انسان‌ها شود. (ر.ک: تافر، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴)

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

« اگر کودک حتی صدای پدر و مادرش را بیرون از اتاق خواب بشنود، سعادت‌مند نخواهد

شد.» (ر.ک: حرانی، ۱۳۸۵، ج ۲)

امروزه گزارش‌های فراوانی نشان می‌دهند کودکان در کانال‌های ماهواره‌ای صحنه‌های



مستهجن می‌بینند. کانال‌هایی که گاه والدین آن‌ها را قفل می‌کنند امام کودکان به راحتی قفل‌ها را می‌شکنند و این خانواده است که باید نظارت جدی بر رفتار و حرکات کودک داشته باشد.

۱. ضرورت آموزش حیا در خانواده

والدین باید به فرزندان خود آموزش لازم را برای رعایت حیا و عفت بدهند. به طور کلی فرزندان باید دقت کنند که در بیرون از خانه اندام باید پوشیده باشد و برجستگی‌ها نمایان نگردد، فقط گردی صورت و دست‌ها تا مچ بازماند. اما آنها این حجاب را در حد کم‌تری باید در خانه رعایت کنند.

چه دختر و چه پسر باید حتی در مقابل والدین خود حیا داشته و از پوشیدن لباس‌هایی که بدن نما و نازک است بپرهیزند و این بر عهده‌ی والدین هست که داشتن حیا و رعایت آن حتی در خانواده را به فرزندان خود آموزش داده و فرزندان را موظف به رعایت آن در خانه بکنند.

پدر و مادر باید توجه خاصی به فرزندان خود داشته باشند تا خدایی نکرده، آن‌ها به خاطر کم‌محبتی و بی‌توجهی حیای خود را از دست ندهند. چه بسیار از دخترانی که بر اثر بی‌توجهی والدین، با چهره‌ای نامناسب در خیابان ظاهر می‌شوند. بعضی‌ها در کوچه صدای خنده‌ها و حرف زدنشان توجه همه را به سوی خود جلب می‌کند و یا بعضی‌ها که با هزار ادا و اصول راه می‌روند، تمام هیکلشان فیس و افاده است. انگار با تمام وجود داد می‌زنند: آهای مردها! مرا نگاه کنید! تأسف‌آور است! آدم دلش برای این جور دخترها می‌سوزد، انگار تشنه یک لحظه توجه هستند.

از این که کسی نگاهشان بکند، لذت می‌برند؛ انگار در خیابان‌ها راه افتاده‌اند تا محبت را گدایی کنند. حال نقش والدین در این بی‌حیایی تأثیر بسزایی دارد که باعث می‌شود بعدها در جامعه ظاهر شده و از یک محیط کوچک وارد محیط بزرگ‌تری شود که بعدها عواقب بسیار بدی را با خود به همراه خواهد داشت.

خوشا به حال والدینی که توانسته‌اند مسئولیت خود را به خوبی انجام داده و یک محیط کاملاً صمیمی و گرم را در خانواده فراهم آورده و برای فرزندان خود هیچ کمبودی نگذاشته و خود پا



به پای فرزندان مراحل را طی نموده و از تجارب خود به آن‌ها آموخته اند تا مبدا خطری فرزندان را تهدید کند. البته باید خانواده به این نکته توجه داشته باشند که حیا تنها در پوشش نیست بلکه در متانت، رفتار و کردار هر انسانی باید متبلور و لبریز شود. (ر.ک: زواریان، ۱۳۷۰، ص ۹۹)

حال ابتدا والدین باید خودشان حیا را در رفتار و کردار خود رعایت کرده و از این طریق به فرزندان خود آموزش درست صحبت کردن و درست رفتار کردن در مقابل دیگران و حتی رعایت آن در محیط خانه و خانواده را یاد دهند.

اگر حیا شاکله انسان باشد، تربیت انسان باحیا فرآیندی تدریجی و طولانی مدت است. انسان باحیا باید در موقعیت‌های گوناگون حسن و قبح اعمال را بشناسد و نفسش از عمل قبیح کراهت داشته باشد. بیش تر انسان‌ها، مفهوم حداقلی از حیا را می‌دانند اما آن مقدار از حیا که وجهی از وجوه تقوا و مایه سعادت آدمی است به مراقبت افکار، نیت‌ها و اعمال در طول زندگی انسان نیاز دارد. (ر.ک: بانکی پور، ۱۳۸۶، ص ۸۶)

تا وقتی انسان در مرحله‌ی کودکی است، زمینه‌سازی برای باحیا بودن او بر عهده خانواده است و پس از سن تکلیف، خود او نیز باید راه مراقبت از این شاکله پربرکت را بشناسد و مرتبه‌ی آن را افزایش دهد.

حیا به استناد احادیث، پیوندی ناگسستنی با ایمان دارد، بنابراین هر آنچه از تربیت ایمانی انجام شود به افزایش حیا نیز می‌انجامد؛ اما عادت دادن کودکان به برخی رفتارهای خاص و تصحیح نیت‌ها، شناخت‌ها و افکار آن‌ها به مرور زمان، به طور ویژه برای نهادینه کردن حیا ضرورت دارد.

کودکی که به پوشش نامناسب عادت کرده، نمی‌توان از او انتظار داشت تا در بزرگسالی پوششی متناسب باحیا داشته باشد. از کودکی که احترام به والدین را نیاموخته است و در خطاهایش حرمت افراد را رعایت نمی‌کند، نمی‌توان انتظار داشت رفتار وقیحانه‌ای از او سر نزند.



دستورات دینی سرشار از توصیه‌های خُرد برای عادت‌های رفتاری که تأثیر عمیقی بر شاکله انسان می‌گذارد، هستند. توصیه به جدا کردن جای خواب کودکان از حداکثر ده‌سالگی یا دستور قرآنی غص بصر، نمونه‌ای از این رفتارها به شمار می‌آیند که بر حیای فرد تأثیر خواهند گذاشت. همین‌گونه رفتارها نیز باید به بزرگ سالان آموزش داده شود، یک قاعده کلی در تربیت وجود دارد که انسان برای به دست آوردن یک صنعت، ظاهر اعمال را متناسب با آن تغییر می‌دهد. این ظاهر به تدریج بر باطن انسان مؤثر خواهد افتاد. یکی از آثار غص بصر که قرآن به آن توصیه می‌کند از این جمله است. (ر.ک: بانکی پور، ۱۳۸۶، صص ۸۰-۸۶)

۲. ویژگی‌های حیا در خانواده

وجود مقدس پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

«همانا من برای اتمام مکارم اخلاقی مبعوث شدم» (کلینی، بی‌تا، ص ۱۳۸)

بدیهی است که یکی از مهم‌ترین مکارم اخلاقی پابندی به صفت حیا و شرم است. این صفت به طرق مختلف در زندگی انسان بروز می‌یابد و انسان بایستی بر اساس حیا در ابعاد مختلف زندگی، رفتارهای اجتماعی و خانوادگی خود را تنظیم نماید.

یکی از مهم‌ترین کانون‌های ارزشمند، کانون خانواده است. اگر بخواهد این کانون در راستای رضا و خشنودی الهی و دستورات او انجام گیرد، لزوماً بایستی حیا را در آن کانون رعایت کرد.

مسائلی از قبیل روابط جنسی میان پدر و مادر در کانون خانواده بایستی در زمان‌های معینی و در یک خلوتگاه خاص صورت پذیرد و فرزندان به‌هیچ‌وجه به خلوتگاه آنان وارد نشوند و از روابط زوجین مطلع نگردند. فرزندان بالغ در خانواده نیز موظف‌اند بدون اجازه وارد اتاق نشوند، حتی کودکان نابالغ که مرتباً نزد پدر و مادر هستند نیز آموزش داده شود که بدون اجازه وارد نشوند.



برخلاف آنچه بعضی از ساده اندیشان فکر می کنند که کودکان سر از این مسائل در نمی آورند، ثابت شده است که کودکان (تا چه رسد به بزرگسالان) روی این مسائل فوق العاده حساسیت دارند و گاه می شود سهل انگاری پدران و مادران و برخورد کودکان به منظره هایی که نمی بایست آن را ببینند، سرچشمه ی انحرافات اخلاقی و گاه بیماری های روانی شده است.

لذا به پدران و مادران توصیه شده که این مسئله را جدی بگیرند، و فرزندان خود را به اجازة گرفتن عادت دهند و هم چنین از کارهای دیگری که سبب تحریک فرزندان می گردد از جمله خوابیدن زن و مرد در اتاقی که بچه های ممیز می خوابند تا آنجا که امکان دارد پرهیز کنند و بدانند این امور از نظر تربیتی فوق العاده در سرنوشت آن ها مؤثر است.

شایان ذکر است که صفت شرم و حیا و رعایت آن خصوصاً در کانون خانواده، از جانب پدر و مادر و هم چنین به فرزندان توصیه شده است تا جایی که در حدیثی از وجود مطهر رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) آمده است:

«پسر از پسر، پسر از دختر، و دختر از دختر، وقتی به ده سالگی رسیدند، حتماً باید خوابگاهشان از هم جدا شوند» (ر.ک: مغنیّه، ۱۹۶۰، ج ۳، ص ۴۳۶)

در خصوص بوسیدن، وجود منور رسول الله (صلی الله علیه وآله و سلم) فرمودند:

«دختر بچه شش ساله را، پسر بچه نبوسد و هم چنین زن ها از بوسیدن پسر بچه ای که سنش از هفت سالگی تجاوز کرده است، خودداری کنند.» (طبرسی، بی تا، ص ۱۱۵)

امیر المومنین علی (علیه السلام) نیز می فرماید:

«وقتی دختر بچه، شش ساله شد مرد نامحرم حق ندارد او را ببوسد و هم چنین نمی تواند او را در آغوش بگیرد.» (حر عاملی، ۱۳۴۷، ج ۵، ص ۲۸)

امام صادق (علیه السلام) نیز یادآور می شوند که:

«وقتی بچه به سن شش سالگی رسید برای تو شایسته نیست او را ببوسی.» (حر عاملی،

۱۳۴۷، ج ۵، ص ۲۸)



امام محمدباقر در خصوص خواب فرزندان به والدین توصیه می‌کنند که:

«بایستی بستر خواب پسر بچه ده‌ساله را از زن‌ها جدا کنید.» (طبرسی، بی‌تا، ص ۱۱۵)

و همچنین فرمودند:

«بپرهیزید از روابط جنسی در جایی که کودک ممیزی تو را می‌بیند، او رفتار را آن‌چنان درک

می‌کند که قادر است به خوبی برای دیگران توصیف و تشریح نماید.» (حر عاملی، ۱۳۴۷، ج ۵، ص ۲۸)

امام صادق (علیه‌السلام) نیز فرمود:

«موقعی که در اتاق، کودکی حضور دارد، مرد با همسر خود نیامیزد، زیرا این عمل، طفل را به راه

بی‌عفتی و زناکاری سوق می‌دهد.» (حر عاملی، ۱۳۴۷، ج ۵، ص ۲۸)

در تحقیقی که بر اساس چهارصد نامه ارسالی از نوجوانان و جوانان به رادیو (با عنوان برنامه:

آینده‌سازان) به عمل آمده است، در موارد متعددی نوجوانان و جوانان، علت اصلی خود ارضائی را در

جریان قرار گرفتن مسائل خاص والدین یا مشاهده این عمل ذکر کرده‌اند، به گونه‌ای که ضربات

جبران ناپذیری بر سلامت روانی و اخلاقی آن‌ها را از این طریق وارد شده است. (شرفی، بی‌تا، ص ۱۵۶)

نوجوانی از تهران بدون ذکر سن و مقطع تحصیلی خود نوشته است:

دختری شاد و شاگردی ممتاز بودم، اما با رسیدن سنین بلوغ بدبختی‌های من آغاز شد... در این

قسمت از نامه او به نحوه اطلاع یافتن از آمیزش پدر و مادر خود اشاره می‌کند که در اثر بی‌مبالاتی و

بی‌احتیاطی آنان در این امر صورت گرفته بود و این عمل آنان، ضربه روحی و روانی شدیدی به او

وارد ساخت و سپس ادامه می‌دهد: به مرور زمان تاب و تحمل خود را از دست داده بودم و به‌طور کلی

حالم دگرگون شده بود.

احساس می‌کردم که تمایلات خفته‌ای در من بیدار شده است که نمی‌توانستم با کوشش فراوانی

که در قبال آن انجام می‌دادم، جلوی آن‌ها را بگیرم و همین مسئله باعث شده که من مبتلا به (خود

ارضایی) شدم و بعدها بر اثر این عمل زشت به بیماری‌های گوناگون مبتلا شدم که نمی‌دانستم اثرات

آن خود ارضایی هست.



اما بعدها با پی بردن به اثرات شوم آن و این که این عمل از گناهان کبیره است، آن را ترک کردم و در مقابل خداوند توبه کردم اما تصور نمی‌کنم که خداوند مرا ببخشد.

نامه فوق، نمونه‌ای از موارد متعددی است که به دلیل بی‌بندوباری والدین و عدم حساسیت نسبت به مسئله بلوغ؛ انحراف خود ارضایی را در نوجوان به وجود آورده است. خانواده آسیب‌زا، از سویی با عدم محافظت اخلاقی از روابط زناشویی بین خود، به احساسات ملتهب و پر قدرت بلوغ دامن می‌زنند و آن‌ها را برحسب تحریک‌گریزه جنسی، به خود ارضایی و سایر انحرافات سوق می‌دهند و از سوی دیگر با عدم رعایت وظایف اخلاقی و الهی خود، در قبال فرزندان، یک رابطه معیوب و نامطلوب شکل می‌دهند. (ر.ک: شرفی، بی‌تا، ص ۱۵۶ و ۱۵۷)

با توجه به آنچه در خصوص حیا در زندگی خانوادگی ارائه شد، مسائلی در ذهن متبادر می‌گردد که به شرح ذیل است:

۱- پدر و مادر در کانون خانواده، نقش بسیار سرنوشت‌سازی دارند که اگر به‌درستی به وظایف

الهی و شرعی خود عمل نمایند، می‌توانند موجبات رشد و اعتلای خانواده را مهیا نمایند و اگر خدای ناکرده از وظایف الهی و شرعی غفلت نمایند، موجبات تزلزل و سستی ارکان خانواده را فراهم نموده و قطعاً در پیشگاه خداوند و فرزندشان مسئول‌اند.

۲. پدر و مادر کانون خانواده، بایستی مکارم اخلاقی و تربیتی را با توجه به دستورات قرآن و سیره حضرات معصومین (علیهم‌السلام) و سخنان ارزنده‌ی آنان، به فرزندان خود آموزش داده و هرکدام به عنوان یک الگو برای فرزندانشان باشند. بدیهی است رفتارهای غلط و نابجا و دور از ادب پدر و مادر، تأثیرات منفی و ناهنجاری روی فرزندان به‌جای می‌گذارد و موجبات بی‌حیایی آن‌ها را فراهم می‌نماید.

۳. عمل به دستورات خداوند و حضرات معصومین (علیهم‌السلام) به‌ویژه در راستای مسائل خانواده، از یک سو موجب تحکیم خانواده و معانی آن و از سویی پابندی به ارزش‌ها و فزونی حیا و نیز موجب تحکیم جامعه و سلامت آن می‌گردد. زیرا جامعه تشکیل‌شده از خانواده‌های متعدد است، پس سلامت خانواده به سلامت اجتماع کمک بسیاری می‌نماید.



۴. پدر و مادر باید در خصوص تعلیم و تربیت فرزندان مطابق دستورات الهی و حضرات معصومین (علیهم السلام) عمل نمایند که در این صورت پاداش عظیمی در پیشگاه خداوند متعال دارند. حضرت رسول اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند:

«کسی که دختری داشته باشد و او را نیک تربیت نماید و از نظر علم خوب تعلیمش دهد، همانا چنین دختری مانع رسیدن آتش جهنم به والدین خود خواهد بود.» (هندی، بی تا، ج ۱۶۵، ص ۴۵۲)

۳. ویژگی های دختران باحیا

«دختران در تبیین و تحلیل آموزه های قرآنی، موجوداتی هستند که به طور ذاتی دارای حیا و عفت هستند و از این روست که حیا و عفت در ایشان به عنوان یک ارزش اهمیت می یابد؛ زیرا بیانگر حفظ طبیعت و سلامت روح و روان ایشان است و کسانی که بی عفتی و بی حیایی را در پیش می گیرند در حقیقت گرفتار شده و از فطرت سالم و طبیعت خدادادی خویش دور شده اند.»

«دشمنان دین و بشریت می کوشند تا برای افزایش فساد و تباهی در زمین، دختران را از فطرت سالم خویش دور سازند و به بی حیایی بکشانند. از این روست که فرعون که شخصی فاسد و مستکبر بوده و خداوند وی را متهم به فساد در زمین می کند در این اندیشه باطل، دختران بنی اسرائیل را زنده می داشت و آنان را به بی حیایی سوق می داد.» (بقره/۹۴، قصص/۴، غافر/۵۲)

قرآن کار بیرونی زنان و دختران را نادرست بر نمی شمارد ولی شرط حیا و عفت را همواره مورد تأکید قرار می دهد. به این معنا که اگر دختری برای کار، بیرون می رود می بایست حیا و عفت را رعایت کند. البته کار کردن می تواند مقطعی باشد و یا دائمی. یعنی می تواند به شکل اشتغال نیز باشد چنان که دختران شعیب به شغل چوپانی و گله داری و آب دهی به گوسفندان مشغول بودند.

اما در همان زمان اشتغال دختران و زنان برای تأمین زندگی این است که با مردان اختلاط نداشته باشند هر چند که در محیطی آزاد و عمومی باشد. از این رو سخن از دور بودن ایشان از مردان به میان می آید. بنابراین اختلاط با مردان در کار و اشتغال را برمی دارد و «جایز نیست که دختران و زنان در این دو حالت به کاری اشتغال داشته باشند» (قصص/۳۲)



از دیگر شروط اشتغال و کار کردن دختران، حیا و آزرَم داشتن در گفتگو با مردان است. به این معنا که اگر نیازی به گفتگو با مردان نامحرم پیش آمد می‌بایست دختران با رعایت حیا در رفتار و گفتار و حرکات از هرگونه گمان و ظن سوئی جلوگیری کنند.

ویژگی دیگر دختران آن است که نیازمند کسی هستند که ایشان را ولایت و سرپرستی کند. از این روست که پدر و پدربزرگ پدری بر دختر در امر ازدواج نخست وی ولایت دارد. همان‌گونه که مادر نیز در برخی از امور خاص بر دختران ولایت دارد. البته به نظر می‌رسد که این ولایت کامل مادر بر دختر نیازمند اذن پدر و ولی اوست. اما در برخی از موارد ولایت داشته و این ولایت قابل اثبات است.

از دیگر مسائلی که درباره دختران مطرح است حجاب ایشان است. از این رو لزوم رعایت حجاب و پوشش دختران برای مصون ماندن از هرگونه آزار و اذیت ضروری است؛ زیرا کسانی که حجاب را رعایت نمی‌کنند، از سوی مردان مورد طمع قرار گرفته و این‌گونه آزار و اذیت می‌بینند.

برای رهایی از شناخته شدن و دوری از آزار و اذیت لازم است تا دختران نیز مانند زنان، حجاب و پوشش را به‌گونه‌ای مراعات کنند که ویژگی‌های آنان دانسته و شناخته نشود.

آیات قرآنی با بیان این مطالب و ناگفته‌های دیگر می‌کوشد تا جایگاه حقیقی زن و دختر را معرفی کند و آنان را به مقام و منزلتی برساند که لایق و شایسته آن هستند. این نگرش و بینش برخلاف نگرش و بینشی است که برخی از جوامع آن را ترویج می‌کنند و در نگرش برخی از جوامع ارزش حیا زن و دختر در جلوه‌های ظاهری است تا برای بهره‌کشی جنسی از آنان استفاده شود.

در کتب جامعه‌شناسی اقتصاد به این مسأله اشاره شده است که علت خروج زنان از خانه و اشتغال در بیرون، نیاز کارخانه‌های ماشینی را برآورده نمی‌ساخت. از این رو کار در بیرون خانه تبلیغ شد و در حال حاضر نیز برای بهره‌کشی‌های دیگر روی این مسأله تبلیغ می‌شود و این یکی از عواملی است که باعث بی‌حیاط شدن دختران می‌شود. زنان و دختران از جهاتی کم‌توقع و پرکار هستند و انتظارات کارفرمایان را برآورده می‌سازند و حقوق کم و دستمزدهای کم را می‌پذیرند.

بنابراین سخن گفتن از حقوق برابر و عدم تبعیض در برخی از جوامع تنها برای ایجاد بستر و زمینه‌هایی است که بتوانند به گونه‌ای بهتر و آسان‌تر به بهره‌کشی از دختران و زنان بپردازند. این در



حالی است که زن و دختر در اسلام از مقام واقعی برخوردار می‌باشند و هر گونه بهره‌کشی و استثمار از آنان نهی شده است.

د. تأثیر رعایت حیا در ازدواج سالم

در مسأله ازدواج تأکید بر لزوم همسرگزینی از میان زنان پاک دامن و عفیف و با حیا تنها به این منظور است که خانواده که «بنیادین ترین مرکز تربیت و آموزش فرزندان است از هر نظر از استحکام طبیعی و رفتاری خوب برخوردار باشد.» (قصص / ۵۲)

اهمیت این مسأله آن قدر زیاد است که در قرآن تأکید شده:

«آن‌هایی که توانایی ازدواج با زنان پاکدامن و با ایمان را ندارند می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان با ایمانی که در اختیار دارند ازدواج کنند. خدا به ایمانشان آگاه‌تر است و همگی اعضای یک پیکرند. آن‌ها را با اجازه‌ی صاحبان آنان تزویج نمایند و مهرشان را را به خودشان بدهید به شرط آن که پاک دامن باشند نه به طور آشکار مرتکب زنا شوند و نه دوستی پنهانی بگیرند و در صورتی که محصنه باشند و مرتکب عمل منافی عفت شوند.» (نساء / ۲۵)

از ازدواج با کنیزان منع کرده است مگر در موارد خاص و ضروری زیرا کنیزان در آن زمان در شرائط تربیتی نامطلوبی به بار می‌آمدند و طبعاً دارای کمبودهایی از نظر اخلاقی، روانی، عاطفی بوده‌اند و مسلماً فرزندان که ثمره ازدواج با آن‌ها بود رنگ اخلاقی مادر را کم و بیش داشتند و به همین جهت اسلام طرح دقیقی برای آزادی تدریجی بردگان تنظیم کرده است تا به این سرنوشت گرفتار نشوند و ضمناً به خود بردگان اجازه داده شود تا با یکدیگر ازدواج کنند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۴۴)

انسان اگر با شخص بی‌حیا ازدواج کند نه تنها خود آسیب می‌بیند بلکه نسلی خطرناک‌تر و بی‌حیا تحویل جامعه می‌دهد که آسیب‌های آن، دو چندان و فراتر از مسأله شخصی است از این رو قرآن مردم را از ازدواج با زنان غیر عفیف و بی‌حیا باز می‌دارد. به همین دلیل قرآن محدودیت‌هایی را برای ازدواج قرار داده است. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۸)



ولی متأسفانه امروز که بسیاری از رسوم جاهلی در اشکال مختلف زنده شده است، این تفکر به وجود آمده که انتخاب دوست زن یا مرد برای افراد مجرد بی مانع است. نه تنها به شکل پنهانی، آنگونه که در زمان جاهلیت قبل از اسلام وجود داشت، بلکه به شکل آشکار، این خود یک عامل بزرگ بی حیایی در جامعه‌ی ما و در نسل امروز می‌باشد.

در حقیقت دنیای امروز در آلودگی و بی بندو باری جنسی از زمان جاهلیت پا را فراتر نهاده زیرا اگر در آن زمان تنها انتخاب دوست پنهانی را مجاز می‌دانستند، اکنون آشکارا آن را بی مانع می‌دانند، حتی با نهایت وقاحت تمام به آن افتخار می‌کنند، این رسم ننگین، که یک فحشای آشکار و رسوا محسوب می‌شود، سوغات شومی است که از غرب به شرق انتقال یافته و سرچشمه‌ی بسیاری از بدبختی‌ها و جنایات شده است.

به هر حال انسان‌های بی حیا نه تنها خود گناهکار هستند، بلکه موجب می‌شوند تا جامعه نیز از رفتار آنان آسیب ببیند.

«قرآن کریم بیان می‌کند که بسیاری از افراد بی حیا و قبیح، در حقیقت منحرفان جنسی هستند و لذا هشدار می‌دهد که با این افراد نباید ازدواج کرد و خانه‌ای بر پا کرد و این از وظایف والدین است که باید فرزندان خود را در این زمینه راهنمایی و کمک کنند.» (مومنون/ ۵ تا ۷، و نور/ ۳ و ۲۶)

خانواده قرآنی خانواده‌ای است که با حیاست همان گونه که در مورد دختران حضرت شعیب آمده است، خانواده‌ای است که لباس‌هایی به دور از حیا نمی‌پوشند، گفتارهایشان زیبا و محترمانه است که به خاطر کم نیاوردن از هر حرف و سخنی استفاده نمی‌کنند.

۵. آثار کم شدن حیا در خانواده

دریافت عمومی بسیاری از مردم این است که حیا، روز به روز کم می‌شود. پدر و مادرها رابطه خودشان با والدینشان را آمیخته با احترام و حیا توصیف می‌کنند و معتقدند امروز فرزندانشان چنین حریم‌هایی را رعایت نمی‌کنند، احترام ویژه‌ای برای بزرگترها قائل نیستند و شرم حضور در مقابل آنان ندارند.



معلمان از دوران دانش آموزی خود تعریف میکنند که چه احترامی برای معلم‌هایشان قائل بودند و حیا مانع برخی رفتارهای آنان می‌شد، خود را با دانش آموزان امروزی می‌سنجد که گاه خیره به چشم‌های معلم می‌نگرند و با جسارت تمام، خطایشان را تکرار می‌کنند و یا حرف زشتی می‌زنند. نوع پوشش زن و مرد و روابط آنان نیز در نگاه بسیاری از مردم با آن چه حیا می‌دانند فاصله گرفته است.

در گذشته لباس‌ها حتی در خانه و در مقابل محارم نیز پوشیده بود اما امروزه بسیاری از افراد در حریم خانه نیمه برهنه اند. در معابر عمومی نیز استفاده از مانتوهای تنگ و بدن‌نما و گاه نازک حتی برای افرادی که به حجاب اسلامی پایبند هستند، عادی شده است.

دختران و پسران که گاه روزگاری در جلسه خواستگاری رنگ به رنگ می‌شدند، امروز بی پروا دوستی می‌کنند و حتی در بوستان‌های عمومی در مقابل چشم رهگذران سر به شانه یکدیگر می‌گذارند و به جای آن‌ها، این رهگذران هستند که گاهی حیا می‌کنند و نگاهشان را می‌دزدند.

در گذشته مردم از چنین رفتارها و عملکردهایی شرم داشتند و آن‌ها را انجام نمی‌دادند، اما امروز نه تنها این رفتارها عادی است، بلکه گاهی ضروری به نظر می‌رسد، شرم معمولاً از فهم خطا ناشی می‌شود؛ در گذشته این رفتار، خطا تلقی می‌شد و امروز نه.

بنابراین باید گفت معیارهای خطا و ثواب تغییر کرده است و می‌توان با اصلاح این معیارها و درونی کردن آن‌ها، حیا را بازگرداند. آیا مفهوم حیا که در احادیث آن را از جنس نور می‌دانند و میوه عقل می‌شمارند و بهترین لباس دین معرفی می‌کنند، با آن چه از مفهوم شرم استنباط می‌کنیم یکسان باشد؟ به نظر می‌رسد مفهوم حیا باید دقیق‌تر بررسی شود تا ببینیم این همه اثار ارزشمند چگونه بر آن مترتب است. (زواریان، ۱۳۷۰، ص ۵۳)



نتیجه بحث

خانواده اصلی‌ترین الگو برای فرزندان می‌باشند که باید این مسأله را با جلوه‌ی زیبایی در خانواده رعایت و تبیین کنند و این که حیای خانواده ویژگی‌های خاصی دارد که تنها به پوشش و گفتار و ... ختم نمی‌شود بلکه به آداب و رسوم و همه چیز خانواده بستگی دارد.

بر اساس آنچه درباره‌ی حیا، روش‌های تربیت انسان با حیا و عوامل بی‌حیائی گفته شده، به نظر می‌رسد حرکت به سمت جامعه‌ای با حیا به سیاست‌گذاری در سطوح گوناگون نیاز دارد اما نباید ناتوانی یا کم‌کاری دولت‌ها در سیاست‌گذاری و اجرا ما را از آگاه‌سازی مردم نسبت به این صفت ارزشمند انسانی غافل کند.

تشریح ضرورت حیا، کارکرد آن در سلامت نفس و جامعه و از همه مهمتر، اعمال و عقایدی که ناخودآگاه و بر خلاف میل افراد موجب کاهش حیا می‌شود، باید به طور مصداقی و دقیق برای مردم تبیین شوند و نسبت به آن پرهیز داده شود.. خانواده‌ها باید بیش‌تر به مسأله حیا توجه کنند و آن را بیش‌تر در خانواده رعایت کنند.



منابع و مأخذ

* قرآن کریم

۱. انصاری، غررالحکم، قم، مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، ۱۳۳۲.

۲. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۷.



۳. بانکی پور فرد، امیر حسین، حیا، بی نا، اصفهان، نشر حدیث راه عشق، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
۴. پسندیده، عباس، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم، سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۳.
۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، چاپخانه‌ی اسلامی، ۱۳۴۷.
۶. حرّانی (صادق حسن زاده)، تحف العقول، انتشارات آل علی (علیه السلام)، قم، ۱۳۸۵.
۷. زواریان، زهرا، رایحه نجابت، تهران: مدریه، ۱۳۷۰.
۸. کلینی، مترجم: مصطفوی، اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، تهران، بی تا.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.
۱۰. مغنّیه، محمد جواد، الفقه، قم، کانون الثانی، ۱۹۶۰.

